

بررسی و شناخت شرایط تحقق مسئولیت مدنی صغیر ممیز در نظام حقوقی ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۳/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۸/۱۲)

محمدحسین حیدری

چکیده

صغیر در لغت از ریشه صغر، به معنای کوچک و خرد است و در اصطلاح به کسی می‌گویند که به سن بلوغ شرعی نرسیده است. قبل از اصلاح قانون مدنی به سال ۱۳۶۱، صغیر به کسی گفته می‌شد که به سن ۱۸ سال تمام نرسیده باشد. ولی با اصلاحات صورت گرفته در قانون مدنی و حذف ماده ۱۲۰۹، سن ۱۸ سال به عنوان سن کبر لغو شد. در مورد مسئولیت مدنی صغیر غیر ممیز باید اذعان نمود که با توجه به ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، چنانچه صغیر اعم از ممیز و غیرممیز، زبانی به دیگری وارد کند، مسؤول است. بنابراین زیان وارده از اموال او توسط ولی یا قیم او جبران خواهد شد. این در صورتی است که اولاً زیان دیده خود مالش را به تصرف صغیر غیرممیز نداده باشد، ثانیاً سرپرست قهری یا قراردادی او تقصیری در نگهداری و مواظبت از او مرتکب نشده باشد. با توجه به اهمیت این بحث و جبران خسارات وارده در راستای ورود ضرر به دیگران و حرمت حفظ اموال اشخاص قصد داریم در این مقاله به بررسی و شناخت شرایط تحقق مسئولیت مدنی صغیر ممیز در نظام حقوقی ایران بپردازیم. چراکه همانطور که در قوانین و اصول حقوقی آمده است به طور معمول و بنابر اصل، هر شخص مسئول عواقب و آثار عمل زاینبار خویش است. نیز قانون، اشخاص را ملزم می‌کند که به وظیفه خود عمل کرده یا از انجام دادن اعمالی خودداری کنند و هرگاه چنین نکردند و زبانی به بار آمد، ناگزیر آن راجبران کنند روش تحقیق در این پژوهش از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده ها فیش برداری می باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، صغیر ممیز، جبران ضرر، مسئولیت ولی، خسارت

بخش اول: مفهوم مسئولیت در اصطلاح حقوقی

مسئولیت در معنای قانونی آن، التزام شخص به تحمل حکم قهری قانون در قبال رفتاری است که از وی صادر شده است. عده‌ای از حقوقدانان ایرانی، با توجه به معنای لغوی مذکور، مسئولیت را عبارت از التزام شخص به پاسخگویی اعمال و رفتار خویش در برابر مردم دانسته‌اند که معیار تجلی آن اعمال و رفتاری است که موجب خسارت یا جنایت می‌گردد. در قانون ایران هیچ گونه تعریفی از مسئولیت ارائه نشده و به همین دلیل، از طرف حقوقدانان نیز به صورت یکسان تعریف نشده است؛ ولی همگی آن‌ها مسئولیت را به نوعی تعهد و التزام دانسته‌اند. در حقوق خارجی نیز مسئولیت^۱ نوعی مفهوم حقوقی است که براساس قدرت یک طرفه و مطابق یک قاعده حقوقی انجام یا عدم انجام امری را الزام می‌کند. به بیانی دیگر، مسئولیت عبارت است از تعهد یا الزامی که به دستور قانون، برای رفع تجاوز مقرر شده است. در فرهنگ اصطلاحات سیاسی- حقوقی فرهیخته، در تعریف مسئولیت آمده است: واژه مسئولیت در اصطلاح قضایی و حقوقی، به معنای تعهد قانونی فرد به رفع ضرری است که به دیگری وارد شده است. بنابراین، انسان از نظر مدنی وقتی مسئول تلقی می‌شود که به جبران آثار و نتایج خسارتی ملزم باشد که به دیگری وارد آورده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ص ۱۸).

بخش دوم: تعریف صغیر و اقسام صغیر

"صغیر" به کسی گفته می‌شود که هنوز به سن بلوغ نرسیده باشد. در زبان عامیانه به صغیر، طفل، کودک و بچه می‌گویند. صغیر به "صغیر غیرممیز" و "صغیر ممیز"، تقسیم می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۴۰۶).

صغیر غیر ممیز: شخص نابالغی است که اهلیت استیفاء هیچ حقی از حقوق خود را ندارد؛ زیرا از یک جهت دارای قوه تمیز نیست و نمی‌تواند مفهوم حق را درک و شیوه اعمال آن را تشخیص دهد. از طرف دیگر، فاقد اراده حقوقی و قصد است (باریکلو، ۱۳۷۸، ص ۱۶۸).

^۱ liability

صغیر ممیز: صغیری است که دارای قوه درک و تمیز نسبی است و با اینکه به سن بلوغ نرسیده است، زشت را از زیبا و سود را از زیان باز می‌شناسد. که بسته به فرد حدود ۶-۷ سالگی صغیر ممیز می‌شود. در صورتی که شک کنیم صغیر ممیز شده است یا نه، هنوز باید او را غیر ممیز بدانیم و کسی که می‌خواهد معامله او را صحیح بداند، باید ممیز بودن او را اثبات کند (مدنی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۰).

بند اول: حدود حجر صغیر ممیز

با توجه به مطالبی که گذشت، مشخص گردید که قانونگذار "به منظور حمایت از صغار" آنان را جزو اشخاص محجور، به شمار آورده است. حال این سوال مطرح می‌شود که آیا صغار ممیز در خصوص تمامی تصرفات و اقدامات خود، محجور به شمار می‌آیند و یا آن که حجر آنان مختص برخی از امور و اقدامات ایشان می‌باشد. بر این اساس، افعالی را که از صغار ممیز صادر می‌شود، کلاً می‌توان دو قسم دانست: اعمال حقوقی (افعال قضایی) یا تصرفات قولی، و دیگر اعمال مادی یا تصرفات فعلی یا وقایع حقوقی که به ترتیب، تأثیر حجر صغیر را در هر یک از این افعال شرح خواهیم داد:

مقصود از اعمال حقوقی، اعمال فکری و دماغی است که قانون برای آن‌ها ارزش و اعتبار قائل شده است و از موجبات تعهد و انتقال می‌باشد. عقود و ایقاعات، به وسیله "اراده" محقق می‌شود و اراده نیز، از "قصد" و "رضا" تشکیل گردیده است. صغیر ممیز، صغیری است که کیفیات نفسانی و قوه عقلانی او تا آن حد پرورش و تکامل یافته که بتواند نفع و ضرر خود را تشخیص دهد و به احکام آثار مهم تمامی معاملات اعم از عقود و ایقاعات، آگاه باشد و ممیز بودن او امری نسبی است. لذا ممکن است صغیر نسبت به امری ممیز و نسبت به امر دیگری غیر ممیز باشد. اراده نیز، به تشخیص سود و زیان مسبوق می‌باشد. لذا در اموری که صغیر ممیز، به تشخیص سود و زیان و آثار و احکام اقدامات تعهدآور خود قادر می‌باشد، اعمال وی محکوم به صحت است، مگر آن که به دلیل دیگری، چنین حقی از صغیر ممیز سلب شده باشد؛ مانند آن که، مبادرت به انجام چنین اعمالی موجب تصرف او در اموال و حقوق مالی‌اش گردد؛ که در چنین صورتی، ممنوعیت وی به انجام دادن افعال، به واسطه دلیل و منع قانونی دیگری، یعنی عدم اهلیت



می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۷۳۰).

بر همین اساس است که در قسمت آخر ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی آمده است: «صغیر ممیز، می‌تواند تملک بلاعوض کند؛ مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیات مباحات». علت تجویز امور مذکور از سوی قانونگذار، این است که انجام دادن آن‌ها، موجب تصرف صغیر ممیز در اموال و حقوق مالی خود نمی‌شود، تا آن که به واسطه عدم داشتن اهلیت، از اجرای آن‌ها، ممنوع باشد؛ چنانکه در ماده ۸۶ قانون امور حسبی نیز، اجازه اداره اموال و منافع را که به سعی خود صغیر ممیز، حاصل شده؛ با اذن ولی و قیم، به او داده شده است. شاید قانونگذار، تحصیل اموال و منافع به وسیله صغیر ممیز را، اماره و دلیل قدرت تشخیص و سنجش نفع و ضرر او دانسته است. به طوری که در ماده مذکور، مقرر گردیده است: «محجور و ممیز، می‌تواند اموال و منافع را که به سعی خود او حاصل شده است، با اذن ولی یا قیم اداره کند».

وقایع حقوقی یا اعمال مادی، در مقابل اعمال حقوقی یا افعال قضایی به کار می‌رود و عبارت از افعالی است که ترتب آثار حقوقی بر آن‌ها، به میزان بستگی آن افعال با اندیشه و قصد و ادراکات فاعل آن‌ها ارتباط ندارد. یعنی حتی اگر این افعال، از سوی اشخاص فاقد اندیشه و قصد و ادراک صادر شود، باز برای وی تعهد و ضمان ایجاد می‌کند به عبارتی دیگر، وجود اهلیت و اراده فاعل برای ایجاد مسئولیت، ضروری نیست و لذا تمامی افراد انسانی، اعم از صغیر و کبیر، سفیه و رشید، یا حتی مجنون و عاقل، نائم و بیدار، مست و هوشیار در صورت انجام افعال مادی، مسئولیت دارند. از جمله وقایع حقوقی، اتلاف و تسبیب در اتلاف مال غیر می‌باشد که مباشر و مسبب آن، به تأدیة خسارت وارده به زیان‌دیده مکلف است؛ اگر چه در فعل خود، تعمد و قصد نداشته باشد. طبق قاعده عقلی و حدیث نبوی "لاضرر و لاضرار فی الاسلام"؛ هر کس به نحوی از انحاء، به غیر زیان و ضرری وارد کند (مانند آن که مال کسی را تلف کند و یا سبب تلف مال غیر شود؛ چنان که مثلاً با سنگ شیشه خانه‌ای را بشکند) باید زیان متضرر را جبران کند. ماده ۳۲۸ قانون مدنی، این حکم کلی را در اتلاف بالمباشره، به صورت زیر بیان می‌کند:

«هر کس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد؛ اعم از آن که از روی عمد تلف کرده باشد، یا بدون عمد و اعم از این که

عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است». نیز ماده ۳۳۱ قانون مذکور در خصوص اتلاف بالتسبیب می‌گوید: «هر کس سبب تلف مالی بشود، باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد، باید از عهده نقص قیمت آن برآید». بنابراین، با توجه به این که در موارد مذکور، مسئولیت مباشر و سبب، به نحو عام و با عبارت "هر کس" بیان شده است، بر فرض این که ماده دیگری، مسئولیت صغیر را در این خصوص، ذکر نمی‌کرد؛ مسئولیت صغیر، از آنها قابل استنباط بود. در حالی که ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی نیز به صراحت، صغیر (اعم از ممیز و غیر ممیز) را مسئول جبران زیان وارده به دیگران اعلام داشته است. به عبارتی دیگر، مقصود از وقایع حقوقی، آن دسته از افعالی است که قصد و اراده، در پیدایش آثار حقوقی بر آن، نقش نداشته و شرط تحقق آنها نیست و در این دسته از اعمال مادی یا وقایع حقوقی، ممکن است عامل، قصد انجام دادن این افعال را داشته باشد، منتها قصد و اراده‌ای در پیدایش آثار ناشی از این افعال را نداشته باشد؛ مثل جرم و شبه جرم، غصب، اتلاف و تسبیب.

بخش سوم: نگاهی به منابع مسئولیت مدنی صغیر ممیز و سرپرست آن

منابع مسئولیت مدنی صغیر ممیز و سفیه در حقوق ایران را می‌توان در دو بخش "قانون مدنی" و مواد مربوط به آن و نیز در "قانون مسئولیت مدنی" به شرح ذیل مورد مطالعه و بررسی قرارداد.

بند اول: قانون مدنی

مواد ۳۳۱، ۱۲۱۵ و ۱۲۱۶ قانون مدنی را می‌توان در کنار مواد دیگری از این قانون، همچون مواد ۳۰۷ و ۳۲۸ از عمده منابع مسئولیت مدنی صغیر ممیز و سفیه در قانون مدنی و حقوق ایران به شمار آورد که در ادامه بحث، مواد قانونی پیش‌گفته مورد توضیح و بررسی قرار خواهند گرفت.

۱. ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی: در مبحث محجورین و دامن‌ه جرایشان و توضیح چگونگی وضعیت صغیر ممیز و سفیه نسبت به اعمال مادی صادر شده از سوی آنان؛ اگر چه گفته شد که به علت ضعف قوای فکری و دماغی، مورد حمایت مقنن قرار گرفته و در عداد محجورین به شمار آمده‌اند؛ ولی گفتیم، در خصوص اعمال



مادی که ممکن است ضرر و زیان و خساراتی را به اموال دیگران وارد آورند، باید طبق اصل کلی مسئولیت فردی و لزوم جبران خسارت زیان‌دیده، آنان را ضامن دانست. بنابراین، به موجب ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، هرگاه صغیر، اعم از ممیز، غیر ممیز و یا سفیه، زبانی به دیگری وارد کند، مسئول جبران آن است. براساس این ماده: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید، باعث ضرر غیر شود، ضامن است».

این ماده از فقه اسلامی اقتباس گردیده است؛ زیرا در فقه، مسئولیت مدنی صغیر ممیز و سفیه بدون تفکیک اتلاف و تسبیب مورد قبول قرار گرفته است و طبق اعلام فقهای اسلامی، در احکام وضعی، مانند ارث، دیات و ضمان ناشی از غصب و اتلاف؛ بلوغ و عقل شرط نمی‌باشد (انصاری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴).

به عقیده برخی از حقوقدانان، ضمان صغیر، اعم از ممیز و غیر ممیز و سفیه در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی برحسب عموم قاعده "من اتلف مال الغير فهو له ضامن" می‌باشد. یعنی هر کس صغیر ممیز یا غیر آن مال دیگری را به مباشرت یا به تسبیب تلف کند، ضامن است؛ چنان که اگر شخصی در حال خواب نیز مال دیگری را تلف کرده یا سبب تلف آن گردد، ضامن اتلاف خویش خواهد بود؛ زیرا اساساً، در تحقق ضمان ناشی از اتلاف یا تسبیب، علم و اراده و تمیز شرط نیست و بنابراین، در حصول ضمان، صغیر یا کبیر، رشید یا سفیه، عاقل و مجنون و غافل یکسان هستند (حائری شهاباغ، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸). در پاسخ به این ایراد، شاید بتوان گفت که قانونگذار در جهت بیان واحد مسئولیت مدنی "محمورین" به چنین کاری دست زده؛ نه این که واقعا به این امر معتقد باشد که حکم مسئولیت مدنی در مورد سفیه و یا صغیر ممیز، نظیر صغیر غیر ممیز و مجنون است؛ زیرا به دلایل زیر، سفیه و صغیر ممیز از جهت مسئولیت مدنی، وضعی مشابه اشخاص رشید دارند:

اولاً، سفیه و صغیر ممیز دارای اراده هستند و می‌توانند مانند اشخاص رشید، سود و زیان اعمال خویش را تشخیص دهند؛ درحالی که در مورد صغیر غیر ممیز و مجنون به لحاظ نداشتن قوه تمیز و فقدان اراده، نمی‌توان به تقصیر شخصی حکم داد. اما غالب حقوقدانان در فرض مسئولیت صغیر غیر ممیز و مجنون به ویژه در تسبیب که بسیاری از حقوقدانان، ارتکاب تقصیر را شرط تحقق آن دانسته‌اند صرف تحقق "تقصیر نوعی" را کافی دانسته‌اند.

ثانیاً، ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی در مقام بیان مسئولیت کسی که طبق



قانون یا قرارداد، به نگهداری از مجنون و صغیر مکلف است؛ از سفیه نام نمی‌برد. و این امر، علاوه بر این که نشان می‌دهد قانونگذار برای سفیه، همان مسئولیتی را می‌شناسد که برای اشخاص رشید قائل است؛ این امر ثابت می‌کند، قیم سفیه، مسئولیت اعمال شخصی او را ندارد و فقط نماینده مالی اوست (امامی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۷).

ثالثاً، اینکه قانون مدنی نیز این استنباط را تأیید می‌کند؛ زیرا ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی، در بیان مسئولیت داشتن صغیر غیر ممیز و مجنون در صورت نقص یا تلف مالی که به آنان نسبت داده شده باشد، نسبت به صغیر ممیز و سفیه، سکوت می‌کند. این حکم قانون که در واقع، بیان قاعده اقوی بودن سبب از مباشر است؛ ثابت می‌کند که سفیه و صغیر ممیز به لحاظ داشتن قوه تمیز، همچون اشخاص رشید مسئول واقع می‌گردند و در صورت تلف یا نقص مالی که به آنان سپرده شده است، به حکم اقوی بودن مباشر از سبب، باید از عهده خسارت وارد شده برآیند. بنابراین، سفیه و نیز صغیر ممیز، مطابق قواعد کلی راجع به مسئولیت‌های مدنی، همانند اشخاص رشید، مسئول واقع می‌گردند و از این حیث، بین آنان تفاوتی وجود ندارد. بنابراین، مسئول دانستن صغیر ممیز و سفیه، مطابق اصول و قواعد پذیرفته شده و اصل مسئولیت شخصی است (قائم مقامی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۱).

۲. ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی، به موجب این ماده: «هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد، صغیر یا مجنون، مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود». براساس مفهوم مخالف این ماده، صغیر ممیز یا سفیه، برخلاف صغیر غیر ممیز و مجنون، در صورتی که مالی را که دیگری به او داده است، تلف و ناقص کند؛ چون به درک و تشخیص اعمال خود و آثار و عواقب آن قادر می‌باشد؛ مطابق ماده ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی (مباحث اتلاف و تسبیب) به سبب ورود ضرر و زیان، ضامن است و باید خسارت وارد شده را جبران کند. و لذا مباشری است، که از مسبب یعنی صاحب مال، اقوی است؛ برعکس موردی که شخص مال را به دست صغیر غیر ممیز یا مجنون بسپارد؛ که در این صورت، چون صغیر غیر ممیز و یا مجنون، فاقد قوه درک و تشخیص اعمال خود و عواقب آن می‌باشند؛ به اصطلاح مباشری است که از سبب، یعنی شخص صاحب مال، ضعیف‌تر می‌باشد و لذا شخص مزبور به ضرر خود اقدام کرده و خود، موجبات تلف و یا معیوب شدن



مال خویش را فراهم کرده است. بنابراین، درمجموع می‌توان گفت، هر چند به موجب حکم ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، صغیر به طور کلی (اعم از ممیز و غیر ممیز) در صورت ایجاد ضرر ضامن می‌باشد؛ لکن برخی حقوقدانان برآنند که این ماده، به صغیر ممیز ناظر است؛ زیرا وی دارای قوه تمیز درپاره‌ای از امور و تشخیص آثار و نتایج آنها است و برخلاف صغیر غیر ممیز که کاملاً تحت سرپرستی ولی خود بوده و از طرفی، فاقد قوه تمیز است (و لذا ضامن حاصل از اعمال مادی او به ولی یا قیم او منتقل می‌شود) صغیر ممیز، خود مسئول جبران خسارت وارد شده از عمل خود می‌باشد. ولی با توجه به حکم مندرج در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی و جمع آن با مواد قانون مدنی در این خصوص، خسارت‌های حاصل از عمل وی، باید از محل اموال خود او و یا ولی و قیم وی جبران گردد و این، درحالی است که - چنان که خواهیم دید- در فقه، اعم از امامیه و اهل سنت، حکم ضمان و مسئول بودن صغیر، اعم از ممیز و غیر ممیز، به اموال خود وی تعلق می‌گیرد و با اموال ولی یا قیم او ارتباطی نخواهد داشت و از محل اموال خود او باید جبران شود و چنانچه مالی در دست خود و یا ولی و سرپرست نداشته باشد، باید شخص زیان‌دیده برای جبران خسارتش تا زمان بلوغ و کسب مال توسط خود وی صبر کند. نتیجه این که صغیر ممیز و سفیه، مطلقاً مسئول تلف و نقص مال می‌باشند؛ اگر چه دیگری، مال را به تصرف آنان داده باشد.

۳. ماده ۳۰۷ قانون مدنی، به موجب این ماده: «امور ذیل موجب ضمان قهری است؛ از جمله:

۱. غصب و آنچه در حکم غصب است (مسئولیت غاصب نامحدود)

۲. اتلاف

۳. تسبب

۴. استیفاء

همانطور که می‌دانیم ضمان قهری، عبارت است از مسئولیت به انجام امری و یا جبران زبانی است که کسی بر اثر عمل زیانبار خود به دیگری وارد آورده است. لذا در صورتی که صغیر ممیز و سفیه منشاء وقایع حقوقی و از جمله تسبیب گردند به حکم این ماده، مسئول و به جبران خسارت زیان‌دیده موظف بوده و در برابر او مسئولیت مدنی داشته و ضامن می‌باشند.

۴. ماده ۳۳۱ قانون مدنی: اتلاف بالتسبیب یا همان "تسبیب"، عبارت از فعلی



است که سبب وقوع تلف گردیده، علت تامه تلف نباشد؛ بلکه عمل به نحوی است که اگر واقع نمی‌شد، تلف نیز محقق نمی‌گشت. برخی از دادگاه‌های کامن‌لا نیز قواعد مشابهی ارائه کرده بودند؛ به این معنا که اگر حادثه بدون عمل خوانده نیز واقع می‌گشت رفتار وی سبب تلقی نمی‌گردید. برخی از نویسندگان سببیت را عبارت از رابطه‌ای منطقی

بین فعل یا ترک فعل و خسارت دانسته‌اند؛ لکن از آن جا که تشخیص این رابطه دشوار است و به اعتقاد برخی نویسندگان، کمتر مسئله حقوقی تا این حد پیچیده است؛ لذا دادگاه‌ها و حقوقدانان، به دنبال ملاک‌هایی برای احراز این رابطه بوده‌اند که سبب مستقیم، سبب مسلط، سبب منحصر یا عامل اصلی، از جمله این معیارها می‌باشند. بنابراین، در صورتی که صغیر ممیز، مالی را به طور مستقیم تلف نکند؛ ولی برای تلف کردن آن، سبب سازی و مقدمه سازی کند، کار ایشان را اتلاف به تسبیب گویند و بنابر اطلاق ماده ۳۳۱ قانون مدنی در چنین صورتی، صغیر ممیز یا سرپرست، ضامن خسارت‌هایی هستند که از این راه به بار آمده است. به موجب ماده مذکور: «هرکس سبب تلف مالی بشود، باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد، باید از عهده نقص آن برآید» (موسوی‌بجنوردی، ۱۳۷۸، ص ۲۲).

بند دوم: رویکرد قانون مسئولیت مدنی

منابع مسئولیت مدنی سفیه و صغیر ممیز به تسبیب مواد ۱ تا ۷ قانون مسئولیت مدنی را به خود اختصاص داده است. که ذیلاً به شرح آن مبادرت می‌شود:

ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هرحق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود؛ مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، با این که نویسندگان قانون مسئولیت مدنی سال ۱۳۳۹، ادعا می‌کردند که قانون مدنی را تکمیل ساخته‌اند؛ لکن این قانون، مبنای مسئولیت مدنی را به سود نظریه تقصیر، تغییر داد. و لذا مسئولیت مدنی اشخاص بر مبنای نظریه تقصیر استوار شد.



با توجه به اطلاق ماده مزبور، صغیر ممیز و سفیه نیز، چنانچه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، موجبات و اسباب ورود ضرر و زیان به غیر را فراهم آورده و سبب به بار آمدن خسارت گردند؛ مسئولیت مدنی دارند. لذا از باب تسبیب، جبران خسارت و ضرر وارد شده به دیگران مسئول هستند؛ زیرا اولاً، در قانون مذکور، یا سایر قوانین موجود، سفیه و صغیر ممیز از مسئولیت مبرا نشده و اطلاق ماده مؤید همین معناست و تصرفات صغیر ممیز نیز با توجه به برخورداری وی از قوای قصد و اراده و تمیز، صرفاً غیر نافذ بوده و با تنفیذ ولی یا قیم، از نفوذ و اعتبار کامل برخوردار می‌گردد. و لذا خود، شخصاً مسئول جبران خسارت و زیان‌هایی هستند که بالتسبیب به دیگران وارد می‌آورند؛ چه، با توجه به برخورداری ایشان از قوای تمیز و تشخیص حتی توانایی ارتکاب تقصیر شخصی را داشته و لذا در صورت مقصر بودن و احراز تقصیر، مطابق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، در مقابل زیان‌دیده مسئولیت مدنی داشته و به تدارک خسارت وی مکلف می‌باشد.

بخش چهارم: نگاهی به شرایط تحقق مسئولیت مدنی صغیر ممیز در حقوق ایران
علی‌الاصول به منظور تحقق انواع مسئولیت مدنی، وجود سه عنصر ذیل ضروری است:

۱. تحقق خسارت یا ضرر و زیان؛
 ۲. ارتکاب عمل خسارت‌بار؛
 ۳. وجود رابطه علیت بین ضرر وارد شده و عمل زیانبار.
- البته در کشورهای که مسئولیت مدنی، صرفاً مبتنی بر "تقصیر" است، "خطا"، نیز یکی دیگر از ارکان مسئولیت را تشکیل می‌دهد؛ چنان که در ماده ۱۶۳ قانون مدنی مصر و ماده ۱۱۱ قانون موجبات لبنان، این نکته مقرر گردیده است. دو شرط تحقق خسارت و رابطه سببیت، در کلیه اقسام مسئولیت مدنی متغیر است (قائم مقامی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵).

بند اول: ضرر و لزوم تحقق آن

"ضرر" یکی از ارکان و عناصر مسئولیت مدنی است و بدون وجود ضرر، مسئولیت مدنی به وجود نمی‌آید. (برخلاف مسئولیت کیفری و مسئولیت اخلاقی که بدون وجود ضرر نیز تحقق آنها امکان‌پذیر است).

تشخیص نفع و ضرر با عرف است و عرف نیز، ضرر را منحصر به ضررمادی نمی‌داند، بلکه لطماتی را که به سلامت یا حیثیت و عواطف انسان وارد می‌شود، را ضرر به حساب می‌آورد؛ چنان که بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق و مواد ۹۰ و ۱۰۱ قانون مسئولیت مدنی، در این خصوص صراحت دارند و در کشورهای دیگر نیز، چنین لطماتی ضرر شناخته می‌شوند (همان منبع، ص ۱۳۷). درخصوص شرایط و اوصاف ضرر قابل مطالبه باید توجه داشت، ضرر یکی از ارکان مسئولیت قراردادی است و وجود آن برای مطالبه خسارت ضروری و الزامی است که در ادامه به بررسی و مطالعه شرایط ضرری که قانوناً قابل مطالبه هستند می‌پردازیم:

الف) مسلم و قطعی بودن ضرر: یکی از شرایط اساسی ضرر قابل مطالبه در مسئولیت مدنی و خصوصاً مسئولیت قراردادی، این است که ضرر باید مسلم و قطعی باشد. بدین جهت، ضرری که محتمل باشد، قابل مطالبه نخواهد بود؛ «زیرا فلسفه وجودی مسئولیت مدنی که عبارت است از جبران خسارت، آن را توجیه می‌کند و مدلل می‌سازد. به عبارت دیگر، باید ضرری در میان باشد تا بتوان دعوای جبران خسارت اقامه کرد و این، امری منطقی است (مواد ۵۱۵ و ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری). بنابراین، صرف احتمال ورود خسارت، مطالبه آن امکان نخواهد داشت. این بحث بیشتر در رابطه با عدم النفع مطرح شده است که برخی آن را احتمالی دانسته و بدین جهت مطالبه آن را امکانپذیر نمی‌دانستند؛ ولی در بحث مربوط به آن، نتیجه این شد که تفویض منافی که با ظن قوی محقق الحصول باشد، موجب مسئولیت می‌گردد.

ب) مستقیم بودن ضرر: ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص اشعار می‌دارد: «..... خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلا واسطه ناشی از عدم انجام تعهد و خسارات وارده رابطه سببیت وجود داشته باشد». به عبارت دیگر طلبکار در صورتی می‌تواند مطالبه خسارت کند که خسارت مورد مطالبه ناشی از عدم اجرای تعهد بوده و به تعبیر روشن‌تر، خسارت مستقیم و بی‌واسطه باشد. بدین جهت، خسارت غیرمستقیم که بین آنها و عهدشکنی، رابطه سببیت مستقیم وجود نداشته و ممکن است ناشی از عوامل دیگری باشند؛ قابل مطالبه شناخته نشده‌اند. به عبارت دیگر، از آن جا که ممکن است ورود ضرر، ناشی

از اسباب گوناگونی باشد؛ مقنن خواسته است حکم به جبران خسارت را مخصوص موردی کند که تقصیر متعهد و عهدشکنی او علت اساسی ضرر می‌باشد. بنابراین، شخص نباید مسئول جبران خساراتی قرار گیرد که نتیجه ضروری اعمال وی نبوده و می‌توانند علل دیگری داشته باشند.

با وجود این، بر این قاعده استثنائاتی وارد گردیده و در ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی چنین مقرر گردیده است: «...در صورتی که در زمان وقوع آسیب، زیان‌دیده قانوناً مکلف بوده، و یا ممکن است بعد، مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری نماید و در اثر مرگ او، شخص ثالث از آن حق محروم گردد؛ وارد کننده زیان باید مبلغی را به عنوان مستمری متناسب تا مدتی که ادامه حیات آسیب‌دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگهداری شخص ثالث بوده، به آن شخص پرداخت کنند...در صورتی که در زمان وقوع آسیب، نطفه شخص ثالث بسته شده و یا هنوز طفل به دنیا نیامده باشد، شخص مزبور استحقاق مستمری را خواهد داشت».

ج) خسارت قبلاً جبران نشده باشد: یکی دیگر از شرایطی که برای خسارات قابل مطالبه گفته شده این است که ضرر قبلاً جبران نشده باشد؛ زیرا «هدف مسئولیت مدنی جبران خسارت است، نه سودجویی. پس هرگاه ضرری قبلاً جبران شده باشد، دیگر خسارتی باقی نمی‌ماند که در صدد جبران آن برآییم».

بنابراین، چنانچه چند نفر برای خسارتی مسئولیت تضامنی داشته باشند، جبران خسارت توسط یکی از آن‌ها، دیگران را در مقابل زیان‌دیده میرا می‌سازد و در این صورت متضرر حق رجوع به دیگری را نخواهد داشت (ماده ۳۱۹ قانون مدنی).

نکته‌ای که ذکر آن در اینجا ضروری به نظر می‌رسد؛ این است که چنانچه به زیان‌دیده به دلیل جبران خسارت وارد شده بر او (بر اثر صدمات بدنی) دیه پرداخت می‌شود؛ اختلاف‌گردیده که آیا در صورتی که ورود خسارات بیش از مبلغ دیه باشد، زیان‌دیده حق مطالبه آن مبلغ را دارد یا خیر؟ در پاسخ گفته شده است که، «دیه مبلغ مقطوعی است که فرض می‌شود برای جبران خسارت زیان‌دیده از جرم و همان مقدار برای مجازات مرتکب کافی است؛ ولی وجود این فرض مانع این نمی‌شود که قربانی جرم، ورود خسارت بیشتری را اثبات کند. و از باب قاعده لاضرر، اتلاف، تسبیب و قانون مسئولیت مدنی، بقیه خسارات خویش را مطالبه

نماید». پس هرگاه زیان دیده به عنوان مثال این امر را ثابت کند که آنچه وی بابت مخارج بیمارستان و هزینه‌های درمانی پرداخته، بیش از مبلغ دیه بوده است؛ مبالغ مذکور قابل مطالبه خواهد بود. با این وصف، در رابطه با این موضوع بین محاکم اختلاف دیدگاه وجود داشته و تعداد کمی از دادگاه‌ها صدور حکم مازاد بر دیه را خلاف موازین فقهی می‌دانند (همان منبع، ص ۷۱).

د) مشروع بودن مطالبه خسارت: شروطی که در بندهای قبل ذکر کردیم، از نظر قانونی، کافی نیستند. در حقوق ما، طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، جبران زیانی را می‌توان خواستار شد که ناشی از لطمه به حقوق مشروع و قانونی باشد. بنابراین، اگر مجرم فراری توسط شخصی چون سفیه یا صغیر ممیز دستگیر و تحویل پلیس شود، هر چند این امر موجب خسارت بسیار برای او خواهد شد؛ از آن جا که زندگی پنهانی و قرار گرفتن دور از دسترس پلیس، حقی برای افراد محسوب نمی‌گردد؛ او نمی‌تواند جبران خسارت خود را تقاضا کند. حقوقی که به موجب قانون، برای افراد ایجاد گردیده، به معنای وسیع کلمه، مشتمل بر کلیه حقوقی است که در قوانین اساسی، عادی، تصویب‌نامه، آیین‌نامه و آرای هیات عمومی دیوان عالی کشور که براساس ماده وحدت رویه قضایی صادر شده- مندرج گردیده است. بنابراین، متضرر، زمانی می‌تواند مطالبه غرامت کند که به موجب رویه قضایی یا قانون و یا عرف، چنین حقی به وی اعطا گردیده باشد. به نظر می‌رسد، بتوان گفت اعمالی که رضایت شخص بر آن مترتب است، حتی اگر سبب خسارتی برای وی شود، حق مطالبه آن را ندارد.

آقای دکتر قائم مقامی، در زمینه اعمال رضایت‌آمیز شخص، و تاثیر آن، در صورتی که منجر به کاهش دارایی گردد چنین گفته‌اند: تقلیل دارایی، هنگامی خسارت محسوب می‌گردد که برخلاف میل باطنی و قصد مالک مال، صورت پذیرد؛ زیرا در صورتی که تقلیل دارایی با رضایت مالک باشد، خسارت نبوده، بلکه حسب مورد، ممکن است خرج یا مصرف، یا انتقال باشد و خرج، نوعی تقلیل دارایی است که شخص به میل خود، به نفع شخص ثالث یا به منظور حفاظت از چیزی یا تغییر حالت آن، تحمل می‌کند. اما همین مخارج، اگر برخلاف اراده شخص و رضایت وی باشد، یا برخلاف هدفی که منظور او بوده است؛ تقلیل دارایی



و خسارت است و متضرر می‌تواند، جبران خسارت وارده به خویشتن را خواستار گردد. به طور کلی، رضایت زیان‌دیده سبب می‌گردد، به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا نکند. حال این رضایت ممکن است صریح یا ضمنی باشد. به نظر می‌رسد، ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی کشور ما نیز، بر همین اساس، یعنی رضایت ضمنی مالک به نقص یا تلف مال خویش در ید صغیر غیر ممیز یا مجنون، به لحاظ اماره سپردن اموال به دست اشخاصی که هیچ‌گونه بهره‌ای از قوای درک، شعور، تمیز و تشخیص ندارند؛ مالک را فاقد هرگونه حق مطالبه خسارت و صغیر غیر ممیز و مجنون را فاقد هرگونه ضمان و مسئولیت مدنی دانسته است.

به موجب این ماده: «هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد، صغیر یا مجنون، مسئول ناقص یا تلف شدن مال نخواهد بود»؛ لذا آنچه مسلم است، قبول مخاطره، نمی‌تواند دفاعی در نقض وظایف قانونی سرپرست صغیر ممیز به شمار آید. در برخی مواقع که احتمال خطر ناشی از افعال صغیر زیاد است، سرپرست صغیر، بایستی مواظبت معقول، به عمل آورد؛ لکن به نظر می‌رسد، اساساً بحث قبول مخاطره در رابطه با افعال صغیر ممیز یا سفیه، با توجه به برخورداری آنان از قوای تمیز و تشخیص و لذا خطرناک نبودن اعمال ایشان؛ اساساً فاقد موضوعیت است. از جمله موارد دیگری که مطالبه خسارت مشروع نیست، "دفاع مشروع" است و آن، هنگامی است که خطری ناگهانی متوجه جان، مال و یا ناموس شخص سفیه یا صغیر ممیز شود و او برای رفع آن، خسارتی وارد کند. در این صورت، چنانچه دفاع با خطر متناسب باشد، بدون مجوز قانونی محسوب نمی‌شود. اعم از اینکه خسارت وارده به مهاجم مالی یا جانی باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۷۸).

بخش پنجم: شرایط تحقق مسئولیت مدنی سرپرست صغیر ممیز

مواد مربوط به مسئولیت ناشی از فعل صغیر یا مجنون در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی، عبارتند از:

ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیررشید باعث ضرر غیر شود ضامن است». این ماده ریشه در حقوق اسلامی دارد، زیرا، چه در فقه امامیه و چه در حقوق عامه اگر دیوانه و کودک مال متعلق به دیگری را بدون اذن وی تلف



کنند، ضمان بر عهده هر دو مستقر می‌شود؛ به سبب آنکه ضمان، از احکام وضعیه است که همگان را شامل می‌شود و در آنها عقل و بلوغ شرط نیست. لذا ولی یا قیم آنان باید از محل اموال موجود ایشان یا اموالی که در آینده دارا می‌شوند، خسارت را جبران کند. در غیر این صورت، زیان‌دیده باید منتظر بماند تا دیوانه بهبود یابد یا کودک بزرگ شود و حشرش پایان یابد تا جبران خسارت را از آنان مطالبه کند.

ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا برحسب قرارداد به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد، و در هر صورت، جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده زیان نباشد». این ماده که اقتباس از مواد ۸۲۹ و ۸۳۲ قانون مدنی آلمان است مسئولیت را در حقوق ایران علی‌الاصول بر عنصر "تقصیر" استوار کرده است (صفایی، ۱۳۹۱، ص ۲۸۷).

یکی از شرایط مسئولیت مقرر در بند اول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی تقصیر در نگاهداری یا مواظبت است و زیان‌دیده باید این تقصیر را ثابت کند تا دادگاه بتواند سرپرست محجور را به پرداخت خسارت محکوم کند. مثلاً اگر بر اثر سهل‌انگاری و عدم مراقبت سرپرست، طفل، شیشه خانه همسایه را با سنگ بشکند، یا با دوچرخه خود عابری را مجروح کند، یا وارد باغ دیگری شده، درختان آن را بشکند؛ سرپرست به جبران خسارت مسئول و مکلف است. این قاعده مطابق اصل مسئولیت شخصی یا نظریه تقصیر است که در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی به طور کلی پذیرفته شده و به نظر می‌رسد نظام قانون مدنی را از نظر مبنای مسئولیت دگرگون کرده است. لازم به ذکر است برای آن که مسئولیت مدنی سرپرست و محافظ صغیر و مجنون تحقق یابد؛ نخست باید دو شرط که وجود آنها در همه اقسام مسئولیت لازم است، فراهم آید. این دو شرط که جنبه عام دارند، عبارتند از: "ورود زیان"، که در هر دعوای مسئولیت مدنی، خواهان باید ورود زیان به خویشان را به اثبات برساند، و وجود "رابطه سببیت"، در این جا نیز مانند هر دعوای دیگر مسئولیت مدنی، خواهان باید وجود رابطه سببیت میان عمل صغیر یا



مجنون و زیان وارد بر خود را ثابت کند. علاوه بر این دو شرط عام، به منظور اعمال ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، تجمع شرایط دیگری که می‌توان آن‌ها را شرایط خاص نامید؛ ضرورت دارد. از این شرایط خاص، شرط نخست به اشخاصی که طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی پاسخگوی اعمال صغیر و مجنون هستند، مربوط است و شرط دوم، به صغیر یا مجنون فاعل عمل زیانبار مربوط است (صفایی، ۱۳۸۹، ص ۵۹).

بند اول: شرط مربوط به اشخاص مسئول در حفظ و نگهداری صغیر با مداقه در حقوق دیگر کشورها

ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی تنها پدر و مادر را مسئول جبران خسارت وارد شده توسط صغیر و مجنون نمی‌شناسد، بلکه به طور کلی این مسئولیت را برعهده همه کسانی می‌نهد که به موجب قانون یا برحسب قرارداد عهده‌دار نگهداری یا مواظبت صغیر و مجنون هستند. این اشخاص علاوه بر پدر و مادر، برحسب مورد، جد پدری، وصی، قیم، پرستار، مربی کودکان و مدیر بیمارستان را شامل می‌شوند. ولی باید دانست در بیشتر موارد، این پدر و مادرند که باید پاسخگوی اعمال فرزندان باشند؛ زیرا شمار کودکان بس فزون‌تر از تعداد دیوانگان است و در مورد کودکان، به طور معمول هنگامی سخن از مسئولیت اشخاص دیگر به میان می‌آید که برای مدتی محدود یا برای ساعاتی خاص در شبانه روز طبق قرارداد، مواظبت از آنها بر عهده دیگری قرار می‌گیرد یا آن که بر اثر فوت پدر، برحسب مورد، وصی یا قیم عهده‌دار مراقبت و مواظبت از آنان می‌شود. در مورد مجانین نیز، چنان که می‌دانیم، اگر جنون به صغر متصل باشد، آنان همچنان تحت ولایت قهری قرار دارند و اگر جنون، در دوران کبر عارض شود، پدر و مادر در برگزیده شدن به عنوان قیم بر دیگران مقدم هستند. با توجه به این نکته در این جا توجه خویش را به پدر و مادر معطوف می‌کنیم.

چنان که در پیش گفته شد، مسئولیت سرپرست و محافظ صغیر و مجنون و از جمله پدر و مادر بر تقصیر آنان در نگهداری یا مواظبت استوار است. از این رو، برخی از استادان بر آن هستند که مسئولیت این اشخاص، جز در مورد اتلاف از سوی صغیر ممیز، علی‌الاصول مسئولیت ناشی از فعل غیر نیست؛ زیرا آنان در

حقیقت به خاطر تقصیر شخصی خویش مسئول شناخته شده‌اند؛ ولی برخی دیگر با این نظر کاملاً موافق نیستند، زیرا تقصیر پدر و مادر سبب دور و غیر مستقیم خسارت است و این، تقصیر یا عمل صغیر است که باعث عطف توجه به آن تقصیر دور می‌شود (صفایی، ۱۳۸۹، ص ۶۱).

نکته در خور ذکر دیگر درباره تقصیر سرپرست و محافظ صغیر و مجنون و از جمله پدر و مادر در نگهداری یا مواظبت؛ آن است که مواظبت در لغت به معنای محافظت، مراقبت و تیمار داشتن و نگهداری به معنای محافظت، پاسبانی، حفظ، حراست، پرورش، مواظبت و مراقبت آمده است. چنان که ملاحظه می‌شود، این دو کلمه دارای برخی معانی مشترک‌اند؛ ولی استادان حقوق مدنی این دو واژه را در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، دو اصطلاح مترادف نمی‌انگارند. به طور معمول هنگامی از "نگهداری" سخن به میان می‌آید که صغیر یا مجنون نزد سرپرست به سر می‌برد و سرپرست و نگهدارنده، نفقه یا به دیگر سخن، معاش و وسایل گذران صغیر یا مجنون را تامین می‌کند. چنان که گفته شد مواظبت در لغت، به معنای محافظت، مراقبت و تیمار داشتن است، و معنی حقوقی آن نیز از معنی لغوی به دور نیفتاده است؛ چه در این مقام، مراد از مواظبت، به ویژه به عنوان یک تکلیف پدر و مادر، آن است که اگر فرزند آنان صغیر است، نه تنها اعمال و رفتار، رفت و آمدها، نشست و برخاست‌ها و معاشرت‌های او را تحت نظارت و مراقبت قرار دهند، بلکه بر راهنمایی و تعلیم و تربیت او نیز همت گمارند، و اگر فرزند آنان مجنون است به فراخور و با توجه به حال او به تیمار داشتن وی بپردازند و با دقت لازم، یا شخصاً مراقب اعمال و رفتارشان باشند، یا آن که موجبات انجام دادن این کار را فراهم آورند. قابل یادآوری است که تکلیف کسانی که برحسب قرارداد عهده‌دار نگهداری و مواظبت از صغیر یا مجنون می‌شوند بیشتر و معمولاً ناظر بر مواظبت است و چگونگی و حدود این مواظبت نیز به مضمون و محتوای قرارداد بستگی دارد (همان منبع، ص ۶۲).

در این باره که آیا تکلیف نگهداری و مواظبت متضمن تعلیم و تربیت نیز هست یا نه؛ دکتر کاتوزیان با آن که پرداخت هزینه تربیت کودک را جزو وظیفه نگهداری تلقی می‌کنند و مواظبت را نیز متضمن تعلیم و تربیت او می‌دانند؛



مرقوم می‌دارند: «در این که آیا مواظبت و نگاهداری شامل تربیت کودک نیز هست و به عنوان تقصیر در تربیت نیز می‌توان سرپرست را مسئول قرارداد یا ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ضمان ناشی از تربیت را در بر نمی‌گیرد؛ راه حل روشنی در حقوق ما وجود ندارد» (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۴۸). به زعم ما هنگامی که ایشان به درستی ابتدا نگاهداری و مواظبت را شامل تعلیم و تربیت کودک نیز می‌دانند، بهتر آن بود که با توجه به نفوذ کلامشان پس از آن از القای شک و تردید در این زمینه به اذهان پرهیز می‌کردند. به علاوه، به موجب ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی: «ابوین ملکف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهممل بگذارند». در برخی از کشورهای اسلامی، مانند، تونس، سوریه، عراق و مراکش، تربیت اطفال در کنار نگهداری از آنان از عناصر حضانت به شمار می‌رود.

در حقوق فرانسه نیز بند ۷ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی اشعار می‌دارد که مسئولیت پیش‌بینی شده در بند ۴ همین ماده برای پدر و مادر تحقق می‌یابد؛ مگر آن که آنان ثابت کنند که نتوانسته‌اند از واقعه‌ای که موجب تحقق این مسئولیت می‌شود جلوگیری کنند. با آن که با توجه به این حکم می‌توان گفت دیدگاه مقنن در ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه به تکلیف مواظبت معطوف بوده و مسئولیت پدر مادر را بر مبنای تقصیر آنان در مواظبت از فرزند صغیر خود مبتنی کرده است؛ ولی علمای حقوق و رویه قضایی فرانسه مسئولیت پدر و مادر را بر پایه تقصیر آنان در عدم انجام تکالیف پیش‌بینی شده در بند ۲ ماده ۳۷۱ قانون مدنی این کشور استوار می‌کنند. بند ۲ ماده ۳۷۱ قانون مدنی فرانسه اشعار می‌دارد: «پدر و مادر در برابر فرزند حق و تکلیف نگاهداری، مواظبت و تعلیم و تربیت را دارا هستند». متخصصان حقوق مدنی در این کشور؛ بر آن هستند که «حق و تکلیف نگاهداری» که یکی از مظاهر و وجوه «اقتدار پدر و مادری» است؛ به عنوان یک نتیجه، حق و تکلیف «مواظبت و تعلیم و تربیت» را دنبال دارد. در حقوق سوئیس نیز، که ماده ۳۳۳ قانون مدنی آن از اعمال مواظبت توسط رئیس خانواده سخن به میان می‌آورد، دادگاه فدرال اعلام داشته است که تکلیف مواظبت رئیس خانواده تنها متضمن تعهد اعمال یک مواظبت به معنای مضیق کلمه نیست؛ بلکه علاوه بر آن،

متضمن به کارگیری همه تمهیدات لازم برای بازداشتن صغیر از وارد آوردن زیان است؛ به ویژه پدر خانواده باید مراقبت کند صغیری که وسیله‌ای خطرناک در اختیارش قرار گرفته است، تعلیمات لازم را داشته باشد تا وسیله مذکور را به گونه‌ای به کارگیرد که دیگری را به مخاطره نیفکند.

پرسش دیگری که در این مقام مطرح می‌شود، آن است که آیا زندگی مشترک فرزند با پدر و مادر شرط تحقق مسئولیت پیش‌بینی شده در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی است یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش، نخست به حقوق فرانسه و سوئیس اشاره می‌کنیم و سپس به حقوق کشورمان می‌پردازیم:

در حقوق فرانسه، بنا به تصریح بند ۴ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی این کشور، به سر بردن فرزند نزد پدر و مادر، شرط تحقق فرض تقصیر در مواظبت و تعلیم و تربیت علیه آنان است. در صورت وقوع طلاق یا افتراق جسمانی، به نظر می‌رسد فرض تقصیر علیه پدر یا مادر، هنگامی وجود دارد که برحسب مورد، محافظت کودک به پدر یا به مادر واگذار شده باشد و علاوه بر این، فرزند نیز با وی زندگی کند. بنابراین، زمانی که کودک تحت حضانت مادر قرار گرفته؛ ولی به طور موقت نزد پدر به سر می‌برد، فرض تقصیر کارایی ندارد (همان منبع، ص ۵۱).

در حقوق سوئیس نیز با آن که ماده ۳۳۳ قانون مدنی این کشور چنین شرطی را پیش‌بینی نکرده است و پدر را علی‌الاصول به عنوان رئیس خانواده مسئول اعمال فرزندان صغیر و مجنون خود می‌شناسد؛ این نکته پذیرفته شده است که وقتی صغیر و مجنون در خارج از خانواده خویش به سر می‌برند، شخصی که عملاً عهده‌دار مراقبت و مواظبت از آن‌ها است، به منزله رئیس خانواده انگاشته می‌شود. بدین‌سان مسئولیت پیش‌بینی شده در ماده ۳۳۳ قانون مدنی سوئیس، ممکن است متوجه مدیر یک پانسیون، یک پرورشگاه، یک نوانخانه و یک اردوی تعطیلات شود. همچنین یک شخص حقوقی حقوق خصوصی ممکن است مشمول چنین مسئولیتی شود. در حقوق سوئیس، همچنین یک کودک می‌تواند به تناوب و نه به طور همزمان، به موجب توافق صورت گرفته، تحت مسئولیت چند رئیس خانواده قرارگیرد. مثلاً می‌توان از کودکی نام برد که به عنوان شاگرد نزد استادکار خود زندگی می‌کند و تعطیلات آخر هفته را نزد پدر مادر خویش می‌گذراند؛ ولی



برعکس، غیبت گذرا کفایت نمی‌کند؛ زیرا در این حالت علی‌الاصول مراقبت و مواظبت پدر و مادر منقطع نشده است.

در حقوق ایران نیز اگر تقصیر در مواظبت، یعنی سبب نزدیک‌تر (در مقام مقایسه با تقصیر در تعلیم و تربیت) مورد توجه قرار گیرد؛ می‌توان گفت که زندگی مشترک صغیر و مجنون با سرپرست، شرط تحقق مسئولیت پیش‌بینی شده در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی است. از این رو، اگر یکی از والدین عهده‌دار حضانت فرزند باشد، علی‌الاصول او مسئول جبران خسارت وارد شده توسط این فرزند است. با توجه به این امر باید گفت، اگر به واسطه یک علت مشروع، کودک نزد پدر و مادر به سر نبرد؛ مثلاً برای گذراندن تعطیلات به منزل پدر بزرگ یا به اردوی تعطیلات تابستانی رفته باشد، دیگر از مسئولیت پدر یا مادر نمی‌توان سخن به میان آورد؛ ولی اگر در پی مشاجره یا نزاع، فرزند فرار اختیار کرده باشد، این وضع مانع از تحقق مسئولیت پدر یا مادر نخواهد بود. همچنین باید افزود، اگر پیوند زناشویی، مثلاً بر اثر بی بندوباری مرد و سوءرفتار او به عنوان الگوی بد بودن برای فرزندان، از هم گسسته شده و حضانت فرزند بر عهده مادر واگذار شده باشد؛ نمی‌توان گفت که در چنین حالتی بدان جهت که فرزند همیشه با مادر زندگی می‌کند، مادر مسئول جبران خسارات ناشی از عمل این فرزند است؛ زیرا چه بسا ارتکاب عمل زیانبار توسط فرزند، نتیجه بدآموزی‌های همان پدر باشد که با اعمال ناشایست خویش باعث متلاشی شدن قانون خانواده شده است. همین نظر را می‌توان در موردی به کار بست که کودک، مثلاً برای گذراندن تعطیلات، نزد یکی از خویشاوندان به سر برد و عمل زیانبار ارتكابی توسط او نتیجه تعلیم و تربیت غلط والدین باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۵۰).

یکی از شرایط مسئولیت مقرر در بند اول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی تقصیر در نگهداری یا مواظبت است و زیان‌دیده این تقصیر را ثابت کند تا دادگاه بتواند سرپرست محجور را محکوم به پرداخت خسارت نماید. مثلاً اگر بر اثر سهل انگاری و عدم مراقبت سرپرست، طفل شیشه خانه همسایه را با سنگ بشکند، یا با دوچرخه خود عابری را مجروح کند، یا وارد باغ دیگری شده، درختان آن را بشکند، سرپرست مسئول و مکلف به جبران خسارت است. این قاعده مطابق اصل

مسئولیت شخصی یا نظریه تقصیر است که در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی به طور کلی پذیرفته شده و به نظر می‌رسد که نظام قانون مدنی از نظر مبنای مسئولیت دگرگون کرده است. آیا سرپرست پس از پرداخت خسارت می‌تواند، آنچه را که پرداخته است از مال محجور برداشت کند و به تعبیر دیگر آیا رجوع سرپرست به محجور در این مورد جایز است؟ اگر سرپرست دین محجور را پرداخته باشد، حق رجوع به او را (طبق اصول و قواعد حقوق مدنی) خواهد داشت؛ لیکن در فرض ما، چون خسارت وارد شده ناشی از تقصیر سرپرست بوده و او در واقع دین خود را ادا کرده است؛ حق رجوع به محجور و برداشت خسارت از مال او را نخواهد داشت.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر فهمیدیم صغیر ممیز، اگر چه به لحاظ فقدان بلوغ و لذا محجوریت؛ نمی‌تواند مورد خطاب مسئولیت کیفری قرارگیرد و بلکه در پناه حمایت قانونگذار و مصون از مجازات و تحمل کیفر است؛ از آن جا که رکن اصلی تحقق مسئولیت مدنی، همانا ورود ضرر و خسارت به اشخاص است و هدف غایی از آن، همانا جبران خسارت زیان دیده می‌باشد. صغیر و نیز سفیه (که نه دیوانه، بلکه صرفاً، فاقد عقل معاش و قدرت تعقل منطقی در امور اقتصادی مربوط به دارایی و اموال خویش و لذا فاقد مصونیت از مسئولیت کیفری نیز می‌باشند) چنان چه سبب ورود زیان به موجب فعل یا ترک فعل خویش گردند؛ دارای مسئولیت مدنی بوده و به جبران ضرر به بار آورده از محل اموال و دارایی خویش ناگزیر خواهند بود؛ چنان که ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، در زمینه مسئولیت مدنی صغیر ممیز و سفیه به نحو اطلاق، چنین مقرر داشته است: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود، ضامن است». لازم به ذکر است در اکثر کشورها، مسئولیت والدین و دیگر سرپرستان صغیر در قبال اعمال زیانبار ایشان، بر فرض تقصیر مبتنی است. معمولاً الزام به اثبات تقصیر عامل زیان برای شخص زیان دیده، بار سنگینی است و غالباً زیان دیده در اجرای این تعهد با شکست مواجه می‌شود و در نتیجه زبانی که بر او وارد شده جبران نشده، باقی می‌ماند. به همین دلیل، در بعضی موارد، قانون، زیان دیده را از الزام به این تکلیف معاف می‌کند و این معافیت از طریق ایجاد اماره تقصیر علیه بعضی اشخاص معین

است. در سیستم حقوقی کامن لا، که کشورهایی مانند آمریکا و انگلیس از آن تبعیت می کنند، مسئولیت والدین به سبب اعمال فرزند، با تردید مورد قبول قرار گرفته است؛ زیرا در آن جوامع به سبب وجود اعتقادات و فرهنگ خاصی که رواج دارد، عقیده بر این است که والدین سلطه و اقتدار لازم را بر فرزند خود ندارند، بنابراین نمی توان شخصی را که بر دیگری تسلط ندارد، در برابر اعمال او مسؤول شناخت. در این سیستم حقوقی، والدین از نظر یک وظیفه اجتماعی موظف به نگهداری فرزند خود هستند و مسئولیت ایشان از این دیدگاه بررسی می شود. مسئولیت مدنی والدین که تحت عنوان مسئولیت ناشی از عمل غیر مورد بحث قرار می گیرد چهره ای استثنایی از مسئولیت است اما گفته شده که در این مورد هم شخص در حقیقت به سبب تقصیری که در انجام وظیفه خود در جهت حفظ و نگهداری و تربیت کودک مرتکب شده، مسؤول شناخته می شود؛ پس خسارتی را که جبران می کند، خسارت تقصیر خویش است، هر چند که این زیان را دیگری به بار آورده است. البته باید توجه داشت در نظام حقوقی ایران بر خلاف حقوق فرانسه، تقصیر والدین مفروض نبوده و باید توسط زیان دیده اثبات گردد. به عقیده حقوقدانان فرانسوی هر جا خسارتی به وسیله کودکان به وجود می آید، در حقیقت، سبب آن عدم مراقبت و تربیت والدین بوده است. به عقیده اینان، زیان دیده بدون نیاز به اثبات تقصیر والدین، بهتر می تواند زیان خود را جبران کند. اما این مسئولیت مفروض تا جایی باقی است که والدین با فرزند خود زندگی کنند بنابر این هرگاه به علتی نظیر جنون یا زندانی شدن والدین، کودک از ایشان گرفته شود، مسئولیت مفروض آنها از بین می رود، ولی هرگاه کودک بدون عذر موجه خانه را ترک کند، والدین او همچنان مسؤول اعمال او خواهند بود.

همچنین لازم به ذکر است یکی از اهداف مقنن در تصویب ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی تامین و تضمین جبران خسارت وارد بر زیان دیدگان از اعمال مجبورین بوده است. در این ماده مقرر شده است که اگر سرپرست، مقصر باشد، از محل اموال خودش به جبران خسارت ملزم است و در صورت ناتوانی از پرداخت، خسارت از مال صغیر که مباشر ورود زیان است، جبران می شود؛ ولی اگر سرپرست مقصر نباشد، به موجب ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، صغیر از مال خودش باید خسارت



را جبران کند؛ لکن چنان چه این ماده توسط مقنن اصلاح شود؛ به گونه‌ای که بر فرض تقصیر سرپرستان محجورین مبتنی باشد با ایراد هر خسارتی از سوی صغیر یا مجنون، زیان دیده می‌تواند بدون نیاز به اثبات تقصیر سرپرست، علیه وی اقامه دعوا کند. مبنای این اماره تقصیر آن است که سرپرست صغیر از لحاظ قانونی یا قراردادی عهده‌دار مراقبت یا نگهداری ایشان است و اختیار و قدرت نظارت و کنترل ایشان را دارد. در نتیجه به موازات این تکلیف و به خصوص برای تضمین اجرای صحیح آن، باید در مقابل، مسئول پرداخت خسارت‌هایی باشد که از ناحیه اشخاص تحت مراقبت ایشان وارد می‌شود. بر همین اساس، تفکیک بین صغیر ممیز و صغیر غیر ممیز، از لحاظ اصلی-فرعی بودن مسئولیت ایشان در جبران خسارت که در حقوق بسیاری از کشورها مطرح شده است؛ در حقوق ما قابل طرح نیست؛ زیرا مطابق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مسئولیت سرپرستان صغار که در اجرای وظیفه نظارت و نگاهداری صغیر مرتکب تقصیر شده‌اند؛ مسئولیتی شخصی و اصلی است و امکان رجوع آن‌ها به صغیر، اعم از صغیر ممیز و غیر ممیز وجود ندارد. حال آن که در دیگر کشورها مسئولیت سرپرست برای جبران خسارتی که از سوی صغیر ممیز محقق شده است، یک مسئولیت فرعی است و پس از جبران ضرر می‌تواند به صغیر ممیز رجوع کند.



منابع و ماخذ

قرآن کریم و بعد....

- اسدی بهنام، (۱۴۰۲) دوره چهار جلدی قانون یار مدنی، تهران، نشر قانون یار
- انصاری، م. (۱۳۸۰). المکاسب. جلد چهارم، قم: مجمع تفکر اسلامی.
- باریکلو، ع. (۱۳۸۵). مسئولیت مدنی. تهران: نشر میزان.
- بجنوردی، م. (۱۳۹۵). القواعد الفقهیه. جلد اول، چاپ سوم، قم: موسسه اسماعیلیان.
- بهرامی احمدی، ح. (۱۳۹۸). سوء استفاده از حق، چاپ دوم تهران: انتشارات اطلاعات.
- جعفری لنگرودی، م. (۱۳۵۷). دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت. جلد اول، تهران: انتشارات بنیاد راستاد چاپ مشعل.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۰). تاریخ حقوق ایران. گیلان: نشر کانون معرفت.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۹). ترمینولوژی حقوقی. تهران: انتشارات مجد
- حلی، ا. (۱۳۴۶). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. ترجمه یزدی، ابوالقاسم بن احمد، قم: انتشارات مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ دوم.
- خاکزاد، م. (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی نقش تمییز در مسئولیت مدنی از دیدگاه حقوق ایران و کامن لا. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- دالوند، ف. (۱۳۸۶). تقسیم مسئولیت مدنی. اصفهان: انتشارات دادیار.
- داوید، ر، اسپینوزی، ک. (۱۳۸۷). درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر. ترجمه صفایی حسین، تهران: نشر دادگستر، چاپ دوم.
- درودیان، ح. (۱۳۷۶). مسئولیت ناشی از فعل اشخاصی که تحت مراقبت و مواظبت دیگری هستند. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱۰۵۸.
- سامت، م. (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی صغیر و مجنون در حقوق موضوعه و اسلام. رساله دکترا، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.



- سنهوری، ع. (۱۹۵۲). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، نظریه التزام بوجه عام. جلد اول، بیروت: دار احیای التراث العربی.
- شکاری، ر. (۱۳۸۵). جزوه درسی قواعد فقه. تهران: دوره کارشناسی دانشگاه امام صادق (ع).
- شهیدی، م. (۱۳۸۶). آثار قراردادهای و تعهدات. تهران: انتشارات مجد. چاپ سوم.
- صفایی، ح. رحیمی، ح. (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد). تهران: انتشارات سمت.
- عادل، م. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی صغار در حقوق ایران ومصر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- عبدلی، م. (۱۳۹۰). بررسی اعمال حقوقی نافذ صغار از نظر فقه وقوانین موضوعه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام خمینی.
- طوسی، ا. بی تا. المبسوط کتاب الغصب. جلد سوم، تهران: انتشارات حیدریه.
- فهیمی، ع. (۱۳۸۴). معاملات صغیر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام خمینی.
- قاسم زاده، م. (۱۳۷۸). مسئولیت مدنی شخص غیر ممیز. نشریه حقوقی دانشگاه تهران، شماره ۱۷.
- قاسم زاده، م. (۱۳۸۷). نظریه تقصیر در مسئولیت مدنی. رساله دکترا، دانشگاه تربیت مدرس.
- قاسم زاده، م. (۱۳۹۱). مبانی مسئولیت مدنی. تهران: نشر میزان، چاپ سوم.
- قیاسی، ج. (۱۳۷۵). تسبیب در قوانین کیفری. تهران: انتشارات مدین.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۶۵). قواعد عمومی قراردادهای. جلد دوم، تهران: انتشارات بهنشر.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۷۰). ضمان قهری و مسئولیت مدنی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۷۲). حقوق خانواده. جلد اول و دوم، تهران: نشر بهمن برنا، چاپ سوم.



- کاتوزیان، ن. (۱۳۹۱). الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری) دوره دوجلدی؛ جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۹۱). دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی). تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم.
- کوشنده، ل. (۱۳۷۷). مجازات صغیر در فقه اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- گودرزی، س. (۱۳۹۵). بررسی مبانی فقهی حقوقی معاملات صغار با نگاهی به کودکان کار. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه قرآن وحدیث.
- موسوی بجنوردی، م. (۱۳۸۶). اندیشه های حقوقی (۱) حقوق خانواده. تهران: انتشارات مجد.
- یزدانیان، ع. (۱۳۸۶). حقوق مدنی قواعد مسئولیت مدنی. جلد اول، تهران: نشر میزان.